



یادداشت



دکتر احمد نوری

اصل

دکتری علوم سیاسی



نقش شهید سلیمانی در ورود روسیه به بحران سوریه

اشاره | روابط جمهوری اسلامی ایران با روسیه در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی بعد از جنگ تحمیلی، همواره مورد سؤال و جواب مخالفان و موافقان این حوزه بوده است. این روابط که برخی آن را تاکتیکی و برخی نیز راهبردی توصیف می‌کنند، همواره با فراز و نشیب‌هایی، همراه بوده است و هر دو کشور بر اساس منافع ملی خود، سعی می‌کنند با همراهی طرف مقابل و گوش زد کردن دشمن مشترکی به نام آمریکا و غرب، به این روند، تداوم داده و آن را عمق ببخشند. یکی از نقطه عطف‌های استراتژیک روابط دو کشور - که نشان‌دهنده عمق روابط راهبردی آن‌ها بوده است - همکاری و اتحاد دو کشور در بحران سوریه است. این نقطه عطف مهم و تاریخی به سال ۱۳۹۴ (سپتامبر ۲۰۱۵ م) بازمی‌گردد که در این تاریخ، بعد از حدود چهار سال (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ م)، بحران سوریه به واسطه ایستادگی مردم، مقاومت نیروهای مسلح، حمایت مستشاری ایران و حزب الله و تلاش مدافعان حرم میدان نبرد، به وضع تثبیت شده‌ای رسید؛ یعنی سرزمین‌هایی در اختیار داعش و گروه‌های تروریستی بود و بخش‌های مهمی نیز در اختیار حکومت باقی ماند. در واقع، نوعی حالت رکود بر صحنه نبرد حاکم شد که نه دولت و نه تروریست‌ها، هیچ‌کدام نمی‌توانستند پیشروی کنند و در این مقطع، باید نیروی سومی وارد می‌شد و موازنه قوا را تغییر می‌داد که این نیروی سوم، می‌توانست روسیه باشد و همین اتفاق نیز رخ داد.

۱. روایتی از بحران سوریه، خاطرات دکتر حسین امیرعبداللهیان، از صفحه ۱۰۹ تا ۱۲۶ کتاب صبح شام، منتشر شده در سایت مشرق در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

<https://www.mashregnews.ir/news/1209171>

واقعیت این است که حضور روسیه در تحولات سوریه، نه تنها کمک نظامی مهمی برای جبهه مقاومت بود بلکه در عرصه سیاسی و راهبردی، برخی معادلات منطقه‌ای را برهم زده و مخالفان روابط ایران و روسیه در سال‌های گذشته را در مقام پاسخ‌دهنده، مورد سؤال قرار داد. آنچه در این مقاله، حائز اهمیت بوده و باید موشکافانه ارزیابی شود، نقش سردار سلیمانی در این عطف مهم تاریخی است. اینکه چرا روس‌ها بعد از گذشت چهار سال از شروع جنگ سوریه، به حضور نظامی در این تحولات مجاب شده‌اند، پرسشی است که با بررسی نقش آفرینی سردار سلیمانی، می‌توان به آن پاسخ داد. در حقیقت، سؤال موردنظر این مقاله، این است که سردار سلیمانی به‌عنوان نماینده و فرمانده میدان جمهوری اسلامی ایران، چگونه توانست در قامت یک دیپلمات عالی‌رتبه، مقامات ارشد روسیه،

۱) اطمینان بخشی نسبت به پیروزی مقاومت و نفوذ ایران در منطقه:

به‌خصوص رئیس‌جمهور این کشور (ولادیمیر پوتین) را به همراهی با جبهه مقاومت وادار نماید؟ با توجه به مطالعات پیشین و رصد تحولات یک دهه اخیر سوریه، می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان پاسخ این سؤال مطرح کرد:

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم ورود جدی روس‌ها به تحولات سوریه در سال‌های اولیه بحران، عدم اطمینان از ماندگاری دولت بشاراسد و ترس از شکست در مقابل غرب بود. تحلیل روس‌ها، به‌عنوان یک عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد تا حدودی متأثر از نگاه دیگر اعضای شورای امنیت بود. ارزیابی روس‌ها این بود که فشارهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای کناره‌گیری بشار

به نظامیان‌شان توجهی کند، عبور داد. شخصیت و اقتدار نظامی، اطمینان لازم به روس‌ها می‌داد که می‌توانند بر روی توانمندی‌های نظامی ایشان و نیروهایش، حساب ویژه‌ای باز کنند و در نتیجه، ترس از شکست احتمالی در بحران سوریه برای آن‌ها به حداقل رسیده بود.

۳) نقش آفرینی دیپلماتیک سردار سلیمانی:

موفقیت‌ها و توانمندی‌های نظامی جبهه مقاومت به فرماندهی سردار سلیمانی، تنها بخشی از ضرورت‌های ورود روس‌ها به بحران سوریه بود. گام آخر یک مسئله دیپلماتیک بود که نیاز به پیگیری و ممارست سیاسی از سوی وزارت امور خارجه داشت. در واقع، در خصوص بحران سوریه، وظیفه اصلی وزارت امور خارجه ایران در آن مقطع، برقراری روابط گسترده و همه‌جانبه با روس‌ها برای ورود جدی به این عرصه بود، اما به دلیل ضعف‌های جدی در آن مقطع و شاید عدم اعتقاد به همکاری و اتحاد دو کشور در بحران سوریه، موجب کم‌کاری‌های جدی در این حوزه شده بود که به ناچار، سردار سلیمانی به‌شخصه این وظیفه مهم را به دوش گرفت و در کنار فرماندهی نظامی میدان، مسئولیت پیگیری دیپلماتیک حضور روس‌ها در سوریه را بر عهده گرفت. سردار سلیمانی - که در افغانستان با رفتارشناسی روس‌ها آشنا شده بود - معتقد بود که اگر شما، دائماً با روس‌ها حرف بزنید، منافع مشترکتان را تعریف کنید و برایشان استدلال منطقی بیاورید، می‌توانید به هدف برسید و با هم به خوبی کار کنید؛ اما اگر بین گفت‌وگوها، فاصله طولانی بیفتد، ممکن است در بعضی نکات اساسی

اسد، بسیار زیاد است، به همین دلیل، استدلالی در ذهنشان شکل گرفته بود، مبنی بر اینکه ماندن نام سیاسی سوریه، مهم‌تر از ماندن شخص بشار اسد است؛ اما چهار سال اول مقاومت در مقابل تروریست‌ها به فرماندهی سردار سلیمانی، این اطمینان خاطر را برای روس‌ها به وجود آورد که بعد از شکست در تحولات لیبی و سکوت در مقابل غرب، می‌توانند با حضور فعال در کنار جمهوری اسلامی ایران، به یک پیروزی مهم منطقه‌ای در مقابل غرب دست یابند.

۲) شخصیت مقتدر و کاریزمای سردار سلیمانی در میدان جنگ و دیپلماسی:

قاطعیت جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایت از دولت بشار اسد و اینکه به‌هیچ‌وجه، حاضر به عقب‌نشینی از این خواسته نبوده و اجازه سقوط دولت بشار اسد را نخواهد داد، در کنار شخصیت کاریزماتیک و فرمانده میدانی جبهه مقاومت یعنی سردار سلیمانی، وضعیت را برای روس‌ها، کاملاً مشخص کرده بود که نمی‌توانند سکوت اختیار کنند و باید در این تحولات مهم تاریخی میان جبهه مقاومت و جبهه «غربی-عبری-عربی»، یکی را انتخاب کنند. نفوذ، اقتدار و هیمنه سردار سلیمانی و همچنین، روحیه استکبارستیزی و ضدآمریکایی ایشان در این تصمیم تاریخی روس‌ها، به شدت تأثیرگذار بود؛ به‌عنوان مثال، یوگنی گونچاروف از افسران ارشد روس می‌گوید، قرار بود گروه ما از اردوگاه پناهندگان سوری به نام «ابو دخور» در مرز با اردن بازدید کند و مأموریتی را در این اردوگاه، انجام دهیم اما نظامیان آمریکایی که در نزدیکی اردوگاه مستقر بودند، مانع ورود ما به آنجا شدند. البته ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، ما را از ایست بازرسی آمریکایی‌ها بدون آنکه

۱. روزنامه اطلاعات، افسرارشد روس: دلاور مردی ژنرال سلیمانی را هرگز فراموش نخواهیم کرد؛ منتشر شده در تاریخ ۴ دی ۱۳۹۹



نتیجه‌گیری

با توجه به نقش آفرینی مثبت و فعال سردار سلیمانی در ورود روسیه به بحران سوریه و قرار گرفتن این کشور در کنار جبهه مقاومت برای مقابله با جبهه غربی-عبری-عربی و موفقیت حاصل از آن، می‌توان نتایج مهم و ارزنده‌ای کسب کرد؛ اول اینکه میدان و توانمندی‌های نظامی و دفاعی بره‌امر دیپلماتیکی برتری دارد و بدون قدرت دفاعی و امنیتی، نمی‌توان اهداف سیاسی را پیگیری کرد. دوم اینکه هر جا سیاست خارجی یک کشور دچار انفعال شود، مردان مقتدر و کاریزمای نظامی، می‌توانند این ضعف را پوشش دهند اما در صورت وجود ضعف در حوزه نظامی و امنیتی، هیچ‌گاه یک فرد دیپلمات عالی‌رتبه هم نمی‌تواند انفعال یک فرمانده نظامی را پوشش دهد و به ناچار، تسلیم طرف مقابل خواهد شد. نکته پایانی و مهم نیز این است که شهادت سردار سلیمانی، باعث نخواهد شد که این مسیر مقدم بودن گفتمان میدان از مسیر خود خارج شود، بلکه گفتمان میدان به‌عنوان پشتوانه و بازوی اصلی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، به نقش پررنگ خود ادامه خواهد داد و در صورت هرگونه انفعال در وزارت امور خارجه، توان و قابلیت پوشش آن را دارد.

از شما فاصله بگیرند و تحت تأثیر برخی اندیشکده‌ها یا فضای بین‌المللی قرار گیرند.^۱ تداوم این پیگیری‌ها و دیدار نهایی با رئیس‌جمهور روسیه، این مهم را به سرانجام رساند. سید حسن نصرالله در این خصوص چنین بیان می‌کند:

«رئیس‌جمهور «پوتین»، نگرانی‌هایی داشت و معتقد بود، گزینه ورود به سوریه، مخاطراتی دارد که هم ممکن است یک قمار شکست خورده و هم گامی موفقیت‌آمیز باشد. در آن زمان، هماهنگی میان ایران و روسیه، شکل گرفت و برادر ما «حاج قاسم سلیمانی»، به مسکو رفت و با رئیس‌جمهور آنجا دیدار کرد؛ [در این جلسه] «حاج قاسم سلیمانی» به صورت کاملاً علمی، واقعی، نظامی، میدانی و از روی نقشه، سخن گفت و در این میان، به مساحت، اعداد و ارقام نیز اشاره کرد. در آن جلسه، «پوتین» به «حاج قاسم سلیمانی» گفت که قانع شده است. در واقع، در سایه آن جلسه بود که تصمیم ورود نیروهای روسی به سوریه اتخاذ شد.»^۲

۱. روایتی از بحران سوریه (همان)

۲. جامعه خبری تحلیلی الف- سید حسن از اسرار حاج قاسم می‌گوید، منتشر شده در تاریخ ۱۲ دی ۱۴۰۰